



نقش مردم در بازسازی فرهنگ و رسانه/حلقه‌های میانی را تقویت کنیم

یک فعال فرهنگی استاد سمنان معتقد است در ساختارهای فرهنگی نیاز به تغییر آرایش جنگی داریم و این آرایش جدید باید بر پایه نقش‌آفرینی مردم در کنار تسهیل‌گری حاکمیت باشد.

یک فعال فرهنگی استاد سمنان معتقد است در ساختارهای فرهنگی نیاز به تغییر آرایش جنگی داریم و این آرایش جدید باید بر پایه نقش‌آفرینی مردم در کنار تسهیل‌گری حاکمیت باشد.

خبرگزاری مهر، گروه فرهنگ و اندیشه: هرچند در نگاه اول به نظر می‌رسد ساختار فرهنگ و رسانه در کشور، مسئله‌ای مرتبط با حاکمیت است اما در نگاهی عمیق‌تر خواهیم دانست که اتفاقاً نقش اصلی را در بازسازی ساختار فرهنگ و رسانه، مردم بر عهده دارند چرا که محمل اصلی فرهنگ، عموم جامعه هستند و هر قدر که محور فرهنگ‌پذیری در ساختار تصمیمات حاکمیتی قرار می‌گیرند به همان میزان هم فرهنگ‌سازان اصلی در تاریخ کشور خود شناخته می‌شوند.

در گفت‌وگویی که در ادامه می‌آید، با مسعود هراتی از فعالان فرهنگی استان سمنان، گفتگو و به همین موضوع و ابعاد آن پرداختیم.

شرح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

* آیا آرایش فرهنگ و رسانه ما آرایش جنگی است یا خیر؟

اوایل دهه ۷۰ رهبر معظم انقلاب موضوع شیخون فرهنگی را مطرح کردند و خواستار پیگیری جدی‌تر در مسئله فرهنگ شدند، فضای عمومی کشور به دو قسمت تقسیم شده، یک قسمت بدنه فعال فرهنگی هستند در کف جامعه و قسمت دیگر بدنه حاکمیتی فرهنگی است که این دو قسمت تقریباً با هم بیگانه هستند و درک درستی از یکدیگر ندارند، در صورتی که به آن درک درست برسند، برنامه مشترکی ندارند و علت این است که ماهیت حاکمیت را مجموعه مردمی نمی‌تواند بفهمد و هضم کند و ماهیت مجموعه مردمی را هم حاکمیت نمی‌تواند بفهمد و هضم کند چرا که قواعد و مقررات خاص خودش را دارد، به نظر می‌رسد ما در ساختارهای فرهنگی ابتدا نیاز به تغییر آرایش جنگی داریم و باید فرهنگ را در آرایش جنگی جدید و بر پایه مردم با جایگاه تسهیل‌گری حاکمیتی‌ها ببینیم که متأسفانه در بودجه و پایه، حاکمیتی‌ها هستند که از مردم توقع دارند، مردم از نگاه آن‌ها حمایت کنند.

جریان فرهنگ در کشور را باید مجموعه‌های مردمی عملیاتی کنند، راهبرد کلام رهبر انقلاب را تعیین کنند و در این راهبرد هر مجموعه فرهنگی حسب اقتضا خودش به میدان بیاید و ایده‌پردازی کند تا حاکمیت در راستای عملی شدن آن ایده، تسهیل‌گری کند و از حالت تصدی‌گری بیرون بیاید.

در حوزه رسانه اوضاع نابسامان است و علت آن این است که ما در حوزه فرهنگ، فرهنگ ایرانی و اسلامی که خود دارای برون‌مایه است خودش یک اصالت اولیه ایجاد می‌کند اما رسانه مهمان جامعه ما است یعنی ما از زمان مشروطه که رسانه را به وسیله روزنامه به صورت جدی‌تر وارد کشور کردیم و بعد از آن پای رادیو و تلویزیون به کشور باز شد که در همه این ساختارها ایران و ایرانی مصرف‌کننده بوده و هیچ وقت در جایگاه تئوری‌پردازی و جایگاه ایده‌پردازی قرار نگرفته است حتی در تمام این سال‌ها هیچ تلاشی نشده برای اینکه ما یک الگوی موفق بومی در حوزه رسانه برسیم.

در ابعاد مختلف رسانه اعم از امپریالیسم، دیپلماسی، سواد رسانه و حتی ساختارهای رسانه‌ای ضعف شدیدی داریم و هنوز نقش مردم و رسانه را خوب درک نکرده و متوجه نشده‌ایم، ما نقش مردم در رسانه را صرفاً اینکه او در قاب گزارش ما قرار بگیرد می‌بینیم در صورتی که مردم باید نقش‌آفرین در حوزه رسانه باشند و باید به این سمت پیش برویم که چه در حوزه فرهنگ و چه در حوزه رسانه مردم را از مقام مصرف‌کننده خارج کرده و به صادرکننده تبدیل کنیم.

* مهم‌ترین مسئله کشور و مردم که با بازسازی ساختار فرهنگ و رسانه باید حل شود، چه مسئله‌ای است؟

باید کاری کنیم که مردم فقط در مقام استفاده قرار نگیرند چرا که مردم، کنش‌گران اجتماعی در حوزه‌های مختلف هستند و اگر ما به آن‌ها فرصت بدهیم و جریان تصدی را حذف کنیم تا مردم به معنای واقعی وارد شوند قطعاً اتفاقات خوبی را می‌توانند در

* برای تدوین موفق طرح بازسازی ساختار فرهنگ و رسانه در مرحله بعد اجرا و نظارت بر اجرا، چه الزاماتی باید رعایت شود؟

من فرهنگ و رسانه را در دو قطب خیلی متفاوت می بینم، فرهنگ را اصل و رسانه را ابزاری برای فرهنگ می بینم و برای بازسازی ساختار فرهنگی کشور در ابتدا ما باید نقشه راه فرهنگی کشور را تغییر دهیم و این دستور رهبر معظم انقلاب است و جزو احکام جدید است چرا که باید یک انقلاب اسلامی در طرح های فرهنگی کشور اتفاق بیفتند.

ما در حوزه رسانه باید از حالت دفاعی به حالت تهاجمی تغییر شکل دهیم. ما در رسانه های داخلی و خارجی یک بستر دفاعی داریم یعنی زمانی که اتفاقات در دنیا رقم می خورد ما آن را بعد از دیگر رسانه های خارجی پوشش می دهیم، به نظر می رسد باید ساختارهای رسانه ای را چابک کنیم

ما نیازمند یک انقلاب اسلامی فرهنگی در جمهوری اسلامی هستیم که مبنای آن مردم باشند و نسبت ارگان ها باید نسبت به این موضوع مشخص باشد، باید یک نقشه راه متفاوتی را برای فرهنگ کشور طراحی کنیم که مبتنی بر مردم و با نگاه آینده پژوهی همراه باشد، ما در ۱۵ سال آینده دنیای متفاوتی را در حوزه هوش مصنوعی و رسانه نسبت به حال حاضر خواهیم داشت لذا اگر بخواهیم در مسئله فرهنگ در آینده مثل گذشته غافل گیر نشویم باید از الان فرهنگ را در آن بستر ببینیم، یعنی تدوین یک نقشه راه مردم پایه ی آینده پژوه که نقطه اصلی اتفاق بازسازی فرهنگ و رسانه کشور است.

در موضوع رسانه، ما با چند مساله مواجه شده ایم و نسبت به دنیای اطراف دچار یک عقب ماندگی هستیم، بستر اینترنت و ماهواره به ما تعلق ندارد، رسانه های ما در رسانه های دنیا دیده نمی شود و ما در حوزه دیپلماسی رسانه ای ضعیف هستیم. ما در حوزه رسانه باید از حالت دفاعی به حالت تهاجمی تغییر شکل دهیم. ما در رسانه های داخلی و خارجی یک بستر دفاعی داریم یعنی زمانی که اتفاقات در دنیا رقم می خورد ما آن را بعد از دیگر رسانه های خارجی پوشش می دهیم، به نظر می رسد باید ساختارهای رسانه ای را چابک کنیم.

صدا و سیمای استان سمنان، هفتاد درصد هزینه جاری دارد و این با چابک سازی ساختارهای فرهنگی و رسانه ای که یکی از مسائل اصلی ما است حل خواهد شد. باید رسانه ها و پیوندهای محلی را برای مدیریت جامعه و تقویت فرهنگ های محلی حمایت کنیم.

* اگر این طرح درست تدوین و اجرا شود چه فواید و تأثیر ملموسی بر زندگی مردم خواهد داشت؟

اگر نکاتی که در سوالات قبل به آن اشاره شد، عملی شود، پیوند بین مردم با مردم و پیوند بین مردم با حاکمیت خیلی قوی خواهد شد. فضایی در کشور ایجاد شده که ما همزمان می توانیم شاهد تبلور فرهنگ های بسیاری به صورت همزمان باشیم و مردم ایران در طول تاریخ نشان دادند که به هویت های فرهنگی پایبند هستند لذا اگر ما بتوانیم تمامی فرهنگ ها را مردمی کنیم، می توانیم ساختارهای مد نظر را از طریق مردم پیش برده و پیوندها را تقویت کنیم. در حوزه رسانه هم به همین صورت است و اگر مردمی بودن در آن اتفاق بیفتد کشور از مصرف کننده به تولیدکننده تغییر ماهیت خواهد داد و می توانیم به مردم اثبات کنیم که ما رسانه منفعل و دروغ گویی نیستیم و رسانه جمهوری اسلامی فعال و بر حسب نیاز جامعه، نقطه زن است.

* جایگاه مردم در نظام حکمرانی مطلوب فرهنگ چیست؟

محور واقعی تمام اتفاقات در حوزه فرهنگ مردم هستند و ما باید یک حکمرانی مردمی در حوزه فرهنگ داشته باشیم، اگر این اتفاق بیفتد ما به نقطه ای می رسیم که باید سال ها پیش اتفاق می افتاد، نقطه ای که از بهمن ۵۷ تا پایان جنگ موفق بودیم.

* نخبگان، فعالان فرهنگی و مسئولین چه وظایفی در بازسازی ساختار فرهنگ و رسانه دارند؟

موضوع نخبگان و مسائل فرهنگی دو مسئله دارد، مسئله اول اینکه نخبگان باید در حوزه مسائل فکری و تدوین سندهای فرهنگی شهری و استانی و کشوری نقش آفرینی کنند مثل حوزه های علمیه، نخبگان دانشگاهی، فعالان فرهنگی تا بتوانند نگاه های مردمی درست را ارائه دهند و مسئله دوم کنشگری نخبگان است. ما باید به سمت تقویت حلقه های میانی برای ایجاد ارتباط بیشتر مردم با مردم و شاید ارتباط مردم با حاکمیت و نقش آفرینی مردم باشیم.

رهبر معظم انقلاب در خرداد ۹۸ در رابطه با موضوع نقش آفرینی مردم می فرماید: نقش آفرینی وظیفه حلقه های میانی است و منظور از حلقه های میانی افراد و مجموعه هایی است که می توانند مردم را پای کار بیاورند. منظور از افراد نخبگان است و

نخبگان باید سعی کنند که وظیفه حلقه میانی بودن خود را در حوزه های مختلف ایفا کنند که یکی از آن حوزه ها رسانه است. ما باید به این سمت برویم که در حوزه رسانه، چه رسانه مکتوب و چه دیگر رسانه ها، در ابتدا در تلاش تقویت رسانه های مردمی باشیم و به این بیندیشیم که حلقه های میانی در حوزه رسانه را چگونه ایجاد کنیم.

در حوزه هایی چون مطالبه گری، سبک زندگی و … این اقدام عملی شود. نخبگان باید در حوزه کنشگری های اجتماعی، پیوست رسانه ای آن را در نظر بگیرند و جدای از رسانه های ملی و حاکمیتی، نقش آفرینی های رسانه ای داشته باشند و مردم را مطلع کنند چرا که اقدامات ویژه ای در کشور اتفاق می افتد که در حوزه اطلاع رسانی مغفول مانده اند.

اتفاق دیگری که می تواند در رابطه با حضور نخبگان در فضای صدا و سیما بیفتند این است که ما باید به این سمت پیش برویم که چه در حوزه فرهنگ و چه در حوزه رسانه حلقه های تخصصی اندیشه ورز رسانه ای داشته باشیم یعنی یک عده نخبه باید در استان بنشینند و مسائل و ظرفیت های استان را پیش روی خود قرار دهند و نقشه راه رسانه ای استان را از حسب ظرفیت استان تعیین کنند چرا که ارسال دستورالعمل از بالا به پایین اشتباه است.

اوایل دهه ۸۰ و چند سال اخیر، زمانی که فرزند یک رئیس مجلس و یا رئیس جمهوری در دهه ۷۰ دوچرخه سواری می کند و این را برای خانم ها لازم می داند، این اقدام در صحن مجلس مطرح می شود و فرایندهای زندگی مسئولان به سمتی می رود که نشان از تجمل، آزادی، رفاه طلبی در آن دیده می شود

* مردم چه طور می توانند در بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ و رسانه مشارکت کنند و پیشنهاد شما در طراحی این سازوکار چیست؟

پاسخ این سوال همان ایفای نقش اصلی توسط مردم و حلقه های میانی است تا بر حسب شناخت مسائل نقش آفرینی و به مسئله ورود پیدا کنند.

* به نظر شما مهم ترین اصل و سیاست حکمرانی فرهنگی چیست؟

تدوین نقشه راه کلی، اصلاح ساختارهای دولتی و حاکمیتی و تسهیل گر شدن آن ها، هویت دادن به افراد، مجموعه های مردمی، تقویت آن ها و در نهایت تقویت جریان حلقه های میانی است.

* میزان تأثیر منش و سبک زندگی مسئولین، در فرهنگ عمومی جامعه چقدر است؟

رهبر معظم انقلاب در اوایل دهه ۷۰ در دیدار با دولتمردان و نمایندگان مجلس بیان کردند: این برای یک مسئول جمهوری اسلامی که خودرو شخصی داشته باشد و با خودرو دولتی تردد کنند، مظهر تجمل است. با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب به نظر می رسد یکی از اساسی ترین اتفاقاتی که سبب انحراف در فرهنگ زندگی جامعه ما شده، مسئولان هستند. خصوصاً در اوایل دهه ۸۰ و چند سال اخیر، زمانی که فرزند یک رئیس مجلس و یا رئیس جمهوری در دهه ۷۰ دوچرخه سواری می کند و این را برای خانم ها لازم می داند، این اقدام در صحن مجلس مطرح می شود و فرایندهای زندگی مسئولان به سمتی می رود که نشان از تجمل، آزادی، رفاه طلبی در آن دیده می شود. قطعاً بدنه جامعه تأثیرپذیر از آن فرایند اشتباه می شود و ما چاره ای نداریم جز اینکه بگوییم اگر حرکات مسئولان مخصوصاً مسئولان فرهنگی حرکاتی باشد که جهت دهی مناسبی به فضای فرهنگی نداشته باشد ادامه دادن کار برای دیگر دستگاه ها و دیگر مدیران میانی بسیار سخت خواهد شد.